

## حفاظت اطلاعات از ابتدا تا کنون و شیوه های حفاظت اطلاعات و اهمیت آن و عناوین ها

از مهمترین عواملی که ما را در نبرد با دشمنان اسلام ، با تلفاتی اندک به پیروزی می رساند و استکبار جهانی را در رسیدن به اهداف شومش ناکام می گذارد، رعایت هرچه تمامتر، حفاظت اخبار و اطلاعات است. سهل انگاری در حفظ اسرار جنگ یا افشای اسرار، موجب شکست است و تلفات جبران ناپذیری در پی دارد. از این رو عقل سلیم و شرع مقدس اسلام به ماحکم می کند که اسرار نظامی را هر چند به نظر ما کوچک و بی اهمیت و بی ارزش باشد، افشا نکنیم و در اختیار افراد غیر مسؤ ول نگذاریم ، بلکه در حفظ آنها بکوشیم ، زیرا دشمن در پی کسب اطلاعات است . تا با شناخت از نقاط ضعف و قوت ، ضربه ای اساسی بر ما وارد کند و خود را فاتح میدان نبرد سازد. پس چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی ؟ در روایات اسلامی اهمیت فوق العاده ای به حفظ و کتمان اسرار داده شده و سفارشات مؤ کدی در این زمینه بیان گردیده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

### 1- اسرار به مثابه خون در رگها

اسرار نظامی به منزله خون در رگهای بدن است و جریان طبیعی آن باعث ادامه حیات و زندگی است . اگر به جای جریان یافتن در رگها، به بیرون ریخته شود، بلافاصله منجر به مرگ می شود.

امام صادق (ع) فرمود:

((سِرُّكَ مِنْ دَمِكَ فَلَا يَحْرِيَنَّ مِنْ غَيْرِ أَوْدَاجِكَ<sup>(1)</sup>))

راز و اسرار تو به منزله خون توست ، پس سعی کن که جز در شاهرگهایت به جریان نیفتد.

### 2- دژ نفوذ ناپذیر

حفاظت اطلاعات به دژی استوار می ماند که اندیشه قوی و طرح پیروز را در میان خود دارد. از این رو خود اطلاعات بایستی در جای امن و غیر قابل نفوذ قرار گیرد تا از خطر افشا مصون بماند.

امام صادق (ع) فرمود:

وَالرَّأْيُ يَتَحَصَّنُ الْأَسْرَارَ<sup>(2)</sup>))

رأی و اندیشه درست آن است که اسرار در پوشش حفاظتی محکمی قرار گیرد.

اگر اطلاعات لو برود و یا افشا شود، پیروزی نیز از دست رفته است.

امام صادق (ع) يك خطبه و گفتار طولانی درباره حفظ اسرار خطاب به محمدبن نعمان معروف به ((مؤ من طاق<sup>(3)</sup>)) دارد. ابو جعفر محمد بن نعمان احوال از برارنده ترین اصحاب امام صادق (ع) و در شمار اصحاب سر آن

جناب است . در این گفتار امام (ص) ضمن گله از دوستان خام و کم ظرفیت خود، اهمیت تقیه و حفظ اسرار و

اطلاعات را بیان می کند. تقیه یا راز نگهداری ، از اصول مسلم جنگ و از عوامل مهم پیروزی به شمار

می رود. به دلیل اهمیت حفاظت اطلاعات و اسرار جنگ ، و وجود نکته های بسیار ظریف و با ارزش در این

سفارش امام (ع) ، سعی می کنیم بخش اعظم آن را با تیتربندی و توضیحی مختصر ذکر کنیم.

### 3- نکوهش افشاگری

خداوند در قرآن کریم کسانی را که اخبار و اطلاعات را افشا می کنند و راز دار نیستند، سخت نکوهش کرده

است ابو جعفر می گوید: امام صادق (ع) به من فرمود:

((إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عَيَّرَ أَقْوَامًا فِي الْقُرْآنِ بِالْإِذَاعَةِ ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، أَيْنَ قَالَ؟ قَالَ قَوْلُهُ: ((وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَ إِلَى أَوْلَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ<sup>(4)</sup>))

خداوند عزوجل در قرآن گروههایی را به جرم افشای اسرار و اطلاعات سرزنش کرده است. گفتم : قربانت ، کجا؟ فرمودند: در این آیه : و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست در جنگ به آنها برسد، (بدون تحقیق ) آن را شایع و افشا می کنند. در حالی که اگر آن (خبر) را به پیامبر (ص) و پیشوایان (و فرماندهان که قدرت تشخیص کافی دارند) ارجاع دهند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد.

افشاگر، شمشیر بر امام کشیده است

امام صادق (ع) فرمود:

((الْمُدْبِعُ عَلَيْنَا سِرَّنَا كَالشَّاهِرِ بِسَيْفِهِ عَلَيْنَا، رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا سَمِعَ يَمْكُونُونَ عَلَيْنَا فَذَقْنَهُ تَحْتَ قَدَمَيْهِ<sup>(5)</sup>))

کسی که اسرار ما را فاش سازد، چون کسی است که شمشیر به روی ما کشیده است . خدا بر آن بنده رحمت آرد که چون علم نهانی (و سری) ما را بشنود آن را زیر قدمهای خود دفن کند.

### اشرار امت

شورترین افراد امت اسلامی کسانی اند که زبانشان را حفظ نمی کنند و آنچه از اسرار می دانند برای دیگران بازگو می کنند.

امام صادق (ع) فرمود:

((وَاللَّهِ إِنِّي لَأَعْلَمُ بِشِرَارِكُمْ مِنَ الْبَيْطَارِ بِالذَّوَابِ، شِرَارِكُمْ الَّذِينَ لَا يَقْرَأُونَ الْقُرْآنَ إِلَّا هَجْرًا وَ لَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا دُبْرًا وَ لَا يَحْفَظُونَ أَلْسِنَتَهُمْ<sup>(6)</sup>))

به خدا سوگند، من بدکاران شما را می شناسم بهتر از بیطار که چهار پا را بشناسد. بدکرداران شما آنهاست که قرآن نخوانند جز نا هنجار، نماز نگزارند جز آخر وقت ، و زبان خود نگه ندارند.

#### 4- راز، سپر مؤ من

اسرار، سپر مؤ من هستند و او را از خطرات و شیخون دشمن و غافلگیر شدن حفظ می کند.

امام صادق (ع) فرمود:

((بَابُ بَنِ النَّعْمَانِ إِنِّي لِأَحَدْتُ الرَّجُلَ مِنْكُمْ يَحْدِيثُ فَيَتَحَدَّثُ بِهِ عَنِّي فَأَسْتَحِلُّ بِذَلِكَ لَعْنَتَهُ وَ الْبَرَاءَةَ مِنْهُ فَإِنَّ أَبِي كَانَ يَقُولُ: وَ أَكُ شَيْءٌ أَقْرُ لِعَيْنِ مِنَ التَّقِيَةِ . إِنَّ التَّقِيَةَ حِنَّةُ الْمُؤْمِنِ وَ لَوْلَا التَّقِيَةُ مَا عَيْدَ اللَّهُ<sup>(7)</sup>))

ای پسر نعمان ! من گاه به یکی از شما سخنی (محرمانه) می گویم . او افشا می کند و مستوجب لعنت و بیزاری من می شود، پدرم فرمود: چه چیز چون تقیه (و راز نگهداری) مایه روشنایی چشم است ؟ تقیه و حفظ اسرار، سپر مؤ من است ، اگر تقیه نبود (قدرتها و دشمنان ، اساس دین را در هم ریخته بودند و) خدا پرستی از میان رفته بود.

#### 5- افشای راز، گناهی سنگین تر از قتل

افشای اسرار، گناهی فراتر از کشتن و قتل نفس است ، زیرا قاتل در نهایت می تواند يك نفر از فرماندهان و یا تعدادی از افراد را بکشد. اما چون اسرار محفوظ است ، بقیه افراد حرکت را ادامه داده و عملیات را پایان می برند، در حالی که اگر کسی اسرار عملیات و اطلاعات مربوط به سازمان و یا شیوه کار و طرح عملیات را افشا کند و دشمن از آن آگاه گردد، موجب شکست همه افراد می شود و در حقیقت با همدستی دشمن دست به قتل و غارت گسترده ای زده است . (زیرا اگر اطلاعات او نبود، دشمن قدرت چنین تهاجمی را نداشت .)

امام صادق (ع) فرمود:

((بَابُ بَنِ النَّعْمَانِ! إِنَّ الْمُدْبِعَ لَيْسَ كَقَاتِلِنَا يَسْتَفِيهِ بَلْ هُوَ أَعْظَمُ وَزْرًا بَلْ هُوَ أَعْظَمُ وَزْرًا<sup>(8)</sup>))  
ای پسر نعمان ! افشاگر راز ما همچون کسی نیست که با شمشیرش ما را به قتل برساند، بلکه گناهش بیشتر است ، گناهش بیشتر است ، گناهش بیشتر است.  
بَابُ بَنِ النَّعْمَانِ! إِنَّهُ مِنْ رَوَى عَلَيْنَا حَدِيثًا، فَهُوَ مِمَّنْ قَتَلْنَا عَمْدًا وَ لَمْ يَقْتُلْنَا خَطَاءً))  
پسر نعمان ! هر که حدیثی به زبان ما نقل کند، ما را بعمد کشته است ، نه بخطا.

#### 6- سکوت رمز بندگی

امام صادق (ع) فرمود:

((إِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَعَلَّمُونَ الصَّمْتَ وَ أَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ الْكَلَامَ كَانَ أَحَدُهُمْ إِذَا أَرَادَ التَّعَبُّدَ يَتَعَلَّمُ الصَّمْتَ قَبْلَ ذَلِكَ يَعْشُرُ سِنِينَ فَإِنَّ كَانَ يُحْسِنُهُ وَ يَصْبِرُ عَلَيْهِ تَعَبَّدَ وَ إِلَّا قَالَ : مَا آتَا لِمَا أَرُومُ يَا هَلْهُ إِنَّمَا يَنْجُو مَنْ أَطَالَ الصَّمْتَ عَنِ الْفَحْشَاءِ<sup>(9)</sup>))

پیشینیان خاموشی را فرا می گرفتند، چنان که شما سخن را. آنگاه که کسی می خواست به عبادت پردازد، نخست ده سال تمرین سکوت می کرد، اگر از عهده بر می آمد و می توانست صبر کند، عبادت پیشه می کرد و گرنه می گفت : من شایسته این مقصد نیستم ، آن کس نجات یابد که مدتها از گفتار نابجا دم فرو بندد.

امیر مؤ منان (ع) خطاب به امام حسن (ع) می فرماید:

((وَ تَلْفِيكَ مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَاكِكَ مَافَاتٍ مِنْ مَنْطِقِكَ وَ حِفْظُ مَا فِي الْأَوْعَاءِ يَشَدُّ الْوَكَاةَ ... وَالْمَرْءُ أَحْفَظُ لِسِرِّهِ وَ رَبُّ سَاعٍ فِي مَا يَصْرُهُ مِنْ أَكْثَرِ أَهْجَرَ<sup>(10)</sup>))

و تدارك و به دست آوردن چیزی که به واسطه سکوت و صمت از دست رفته ، آسان تر است از دریافتنی که با سخن گفتن از دست رفته است . (زیرا سخن در اختیار تو است . تا زمانی که نگفته باشی ، و چون گفتی تو در اختیار آنی ، پس خاموشی بهتر از پرگویی است . و نگاهداری چیزی که در ظرف است به استواری بند آن است (اگر بند مشک سست باشد آب می ریزد و از بین می رود، همچنین اگر بند زبان شخص محکم نباشد، سخن بیجا از آن بیرون می آید و رازی بر ملا می شود) ... و مرد راز خود را بهتر نگه می دارد (چون کوشش برای پنهان داشتنش از دیگری بیشتر است .) و بسا کوشش کننده در چیزی است که او را زبان می رساند، پرگو هرزه گو می شود.

#### 7- محافل دوستانه



نیست . پیوسته دوست می دارد حرف بزند و از هر دری سخنی بگوید . شخصی که به چنین عادت زشتی خو کرده ، چنانچه رازی و اطلاعاتی به او سپرده شود، زود افشا می شود. زیرا او که به عارضه پرحرفی دچار شده ، در هر محفلی که شرکت کند، می خواهد حرف بزند تا آنجا که خزانه حرفهای عادی او تهی شود و چون نمی تواند سکوت کند به پراکندن اطلاعات محرمانه ، می پردازد و اسرار از لابلای حرفهای او به بیرون می ریزد.

امیر مؤ منان ( ع ) فرمود:  
((وَمَنْ كَثُرَ كَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ<sup>(15)</sup>))

کسی که زیاد حرف بزند، خطایش بسیار است.  
از این رو در روایات اسلامی فراوان به حفظ زبان و رعایت سکوت تاءکید شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

امام صادق (ع) فرمود:

((إِنَّ هَذَا اللِّسَانَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَ شَرٍّ قَيْنَبَعِي لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَخْتِمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يَخْتِمُ عَلَى ذَهَبِهِ وَ فِضَّتِهِ<sup>(16)</sup>))  
همانا زبان ، کلید هر خیر و شرک است . پس برای مؤ من سزاوار است که بر زبان خود مهر زند، همان گونه که بر طلا و نقره خویش مهر می زند.

امیر مؤ منان ( ع ) فرمود:

((لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَ قَلْبُ الْأَحْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ<sup>(17)</sup>))

زبان انسان خردمند پشت قلبش (عقلش ) است ، اما قلب انسان احمق در پشت زبانش قرار دارد.  
انسان عاقل و خردمند ابتدا فکر می کند و زمینه را می سنجد و سنجیده سخن می گوید. بر خلاف آدم احمق که ناسنجیده و بدون فکر، سخن می گوید؛ به همین خاطر، زود اسرار را لو می دهد.

همچنین گفته شده است:

((لِسَانُكَ سَنَانُكَ إِنْ صَنَّتْ صَاتَكَ<sup>(18)</sup>))

زبان تو سنان و نیزه توست ، اگر حفظش کردی ، حفظت می کند.

درباره سکوت نیز امام صادق (ع) به مؤ من طاق سفارش فراوان کرد که ذکر آن گذشت ، زیرا حکمت در سکوت خوابیده است ، و به صندوقچه اسرار سربسته می ماند.

بنابراین ، برای حفظ اسرار باید با دقت و سنجیده و گزیده سخن بگویم و از پرحرفی بپرهیزیم.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

((مَنْ أَرَادَ السَّلَامَةَ فَلْيَحْفَظْ مَا جَرَى بِهِ لِسَانُهُ وَ لِيُغْرَسَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ جَنَانُهُ<sup>(19)</sup>))

هر کس سلامت خواهد، مراقب گفتار خویش باشد و آنچه بر دل دارد، بر زبان نیاورد.

گفتن هر سخنی در هر جا

نبود شیوه مردان خدا

هر سخن جا و مقامی دارد

مرد حق حفظ کلامی دارد

هر که ز اسرار، دلش آگاه است

دشمن اندر پی او در راه است

هر که از دشمن خود غافل شد

کار او بی بر و بی حاصل شد

حاصل کار دهد باد فنا

گفتن هر خبری در هر جا

پیامبر(ص) فرمود:

((لَا يَعْرِفُ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يَخْزَنَ مِنْ لِسَانِهِ<sup>(20)</sup>))

بنده به حقیقت ایمان شناخت پیدا نمی کند، مگر آنکه زبان خویش را حفظ کند.

## 2. غضب

خشم چون شراب ، عقل و اندیشه را مختل می کند. انسان خشمگین ، بدون راهنمایی عقل و اندیشه عمل می کند و زمام کارهایش را به دست احساسات و غرایز می سپرد. در این صورت اندیشه و عقل ، قدرت هدایت انسان را از دست می دهند. آنگاه این غرایز شعله ور و لجام گسیخته است که انسان را به عمل وا می دارد. به همین جهت در روایات از خشم و تندی به جنون تعبیر شده است.

امیر مؤ منان (ع) می فرماید:

((الْجِدَّةَ صَرَبٌ مِّنَ الْجُنُونِ (21)))

تندی قسمی از دیوانگی است.

همچنین فرمود:

از خشم بیرهزید که آغازش دیوانگی و پایش پشیمانی است (22).

انسان غضبناک و خشمگین ، اعمال غیر طبیعی انجام می دهد و در این میان حرفهایی را ناخواسته می زند و اسراری که باید محفوظ بماند، افشا می شود.

و نیز گفته شده است:

((لِلسَّرِّ نَافِذَاتَانِ: الْسُّكْرُ وَالْغَضَبُ (23)))

راز و سر دو دریچه برای فاش شدن دارد: یکی مستی و دیگری خشم.

### 3- جدل

در بحث و جدل ، طرفین می کوشند رقیب خود را مغلوب کنند و وقتی کار دشوار می شود، چون هیچ کدام نمی خواهد از صحنه با شکست خارج شود، بناچار تظاهر می کند که بیشتر از طرف مقابل ، معلومات و اطلاعات دارد تا بر او فخر فروشی کرده ، شوکتش را در هم شکنند. از این رو به افشای برخی از اطلاعات و اسراری که او نمی داند، می پردازد و با این عمل تصور می کند بر خصم خود پیروز گشته است . رفته رفته بحث و جدل انسان را در موقعیتی قرار می دهد که ممکن است همه اسرار خویش را فاش سازد.

امام صادق (ع) در سفارش به محمد بن نعمان این بیماری را یادآور شد و بشدت پیروانش را از این عمل برحذر داشت تا اسرار آل محمد(ص) فاش نشود.

((يَا بَنِي النَّعْمَانِ... وَ يَاكَ وَ الْجِدَالَ فَإِنَّهُ يُؤْفِكَ (24)))

ای فرزند نعمان!... از جدال پرهیز که تو را به هلاکت انداخته و در تنگناها قرار می دهد.

### 4- اطمینان به دیگران اسرار (25)

گاهی بر اثر اطمینان به دیگران ، بعضی از اطلاعات طبقه بندی لو می رود.

امام علی (ع) فرمود:

((مَا كُنْتُ كَاتِمَةً عَدُوِّكَ مِنْ سِرٍّ فَلَا تُطْلَعَنَّ بِهِ صَدِيقَكَ (26)))

اسراری که از دشمنان خود پنهان می داری ، از دوستان خود نیز مخفی بدار.

### 5- طمع دیگران در دانستن

بی شک ، دشمن در پی کسب اخبار و اطلاعات است و طمع او بی جا نیست ، زیرا او دشمن ماست و ما هم دشمن او. همچنان که ما می کوشیم اسرار او را بفهمیم ، او نیز می کوشد اسرار ما را کشف کند. در این میان عده ای هستند که در پی کسب اخبار و اطلاعاتی هستند که به هیچ عنوان به آنان مربوط نمی شود و توقعشان در این مورد خلاف انتظار و خلاف حکمت و عقل است . متأسفانه این گونه افراد حلقه واسطه ای برای دشمنی می شوند و اصرار زیاد هم نسبت به کسب اطلاعات و اخبار دارند تا در مجالس و محافل نقل کنند و به قول خودشان محافل را با اخبار جدید گرم نمایند.

همان گونه که توقع آنان برای کسب اطلاعات نظامی ، انتظاری بی جاست ، دادن اطلاعات نظامی به آنان نیز، خلاف شرع است . بنابراین در مجالس و محافل بایستی مواظب این گونه انسانهای حراف و بی درد و بی مسؤ ولیت باشیم و به اصرار آنان ، اخبار را در اختیارشان نگذاریم.

امیر مؤ منان علی (ع) فرمود:

((كُنْ يَأْسِرَاكَ يَخِيلًا وَلَا تَدَعْ سِرًّا أَوْ دَعْتَهُ فَإِنَّ الْإِذَاعَةَ خَيْرٌ مِنْهُ (27)))

نسبت به اسرار بخیل باش . (از اخبار و اطلاعات سری خویش هر کسی را آگاه نساز) و هرگز راز و سری که پیش تو به امانت گذاشته اند، فاش مساز؛ زیرا فاش کردن اسرار، خیانت و گناه است.

همچنین فرمود:

((لَيْسَ كُلُّ مَكْتُومٍ يَسُوعُ إِطْهَارُهُ لَكَ وَلَا كُلُّ مَعْلُومٍ يَجُوزُ أَنْ تُعَلِّمَهُ غَيْرَكَ (28)))

روا نیست هر رازی برای تو بازگو شود، چنانچه مجاز نیستی هر رازی را که می دانی به دیگران بگویی.

پیامبر اکرم (ص) فرمود:

((اتَّقُوا عَلَيَّ دِينَكُمْ وَأَحِبُّوهُ بِالتَّقِيهِ فَإِنَّهُ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَهُ لَهُ إِنَّمَا أَنْتُمْ فِي النَّاسِ كَالنَّحْلِ فِي الطَّيْرِ وَ لَوْ أَنَّ الطَّيْرَ يَعْلَمُ مَا فِي أَحْوَابِ النَّحْلِ مَا بَقِيَ شَيْءٌ مِنْهَا إِلَّا أَكَلْتَهُ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ عَلِمُوا مَا فِي أَحْوَابِكُمْ أَنْكُمْ تُحِبُّونَا أَهْلَ الْبَيْتِ لَأَكَلُوكُمْ بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ لَتَحْلُوكُمْ فِي السَّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ (29)...))

به خاطر حفظ دینتان تقیه کنید و آن را با تقیه و رازداری زیر پرده نگهدارید، زیرا هر کس تقیه ندارد ایمان ندارد.

همانا شما در میان مردم مانند زنبور عسل در میان پرندگانید. اگر پرندگان بدانند که زنبور عسل حامل چه چیزی هستند، همه آنها را خواهند خورد و اگر مردم بدانند آنچه در دل شماست که ما اهل بیت را دوست دارید، شما را با زبانشان خواهند خورد و در نهان و آشکار ناسزا خواهند گفت.

#### 6- موارد دیگر

کوتاهی و عدم دوراندیشی ؛ گاهی انسان بر اثر سهل انگاری و عدم احتیاط، اسرار را لو می دهد. امام علی (ع) فرمود:

((تَمَرَهُ التَّقْرِیْبُ النَّدَامَهُ وَ تَمَرَهُ الْحَزْمُ السَّلَامَهُ (30)))

ثمره کوتاهی در امور پشیمانی و ثمره دوراندیشی و احتیاط، سلامتی است.

گاهی میل به خودنمایی که ناشی از ضعف شخصیتی افراد است ، باعث افشای اسرار می شود.

همچنین ساده اندیشی و ارتباطات غلط می توانند زمینه افشای اسرار را فراهم سازند.

عدم آموزش ؛ آشنایی با تکنیکهای جاسوسی و شیوه های دشمنی به ما کمک می کند که عملیات عناصر

اطلاعاتی دشمن را کشف و از دامهایی که برای ما گسترده اند، علیه خودشان استفاده کنیم . از این رو باید به آموزشها اهمیت دهیم و در تداوم آنها بکوشیم ، زیرا اولاً آموخته ها پس از مدتی فراموش می شود، ثانیاً دشمن در

کشف اطلاعات ، پیوسته تکنیکهای جدیدی را به کار می گیرد که لازم است نیروهای خودی از آنها آگاه شوند.

غفلت ؛ گاهی فرد به اهمیت خبری که در اختیار دارد، واقف نیست و آن را همه جا مطرح می سازد.

بی قیدی و بی تعهدی ؛ گاهی افراد پایبند و متعهد به مقررات نیستند و علی رغم دانستن اهمیت خبر، به

افشای آن می پردازند.

تسلیم جو شایعه شدن ؛ گاهی دشمنان برای کسب اطلاعات و خبر، مطلبی را به عنوان شایعه طرح می کنند و

افراد ساده ، بجای آنکه عدم صحت خبر را ثابت کنند، اطلاعات خود را لو می دهند.

دستیابی به اطلاعات بیشتر؛ ممکن است شخصی مطالب محرمانه ای را بطور حضوری یا به وسیله تلفن

مطرح کند تا بتواند با این عمل ، اطلاعات بیشتری را از طرف مقابل به دست آورد. از این رو، باید موازین

حفاظتی را در این گونه مباحثه ها و مکالمه ها رعایت کرد.

مخافل دوستانه ؛ مطرح ساختن اطلاعات سری در محافل دوستانه ، دهن به دهن به دست دشمن می

رسد.

دشمنی ؛ برخی از افراد به دلیل خصومتهاى شخصی موجب افشای اطلاعاتی می شوند. از این رو ، مسائل

امنیتی و حفاظتی را نباید قربانی و دستخوش دشمنیها و مسائل شخصی کرد.

استعفا و برکناری افراد؛ نیز نباید موجب افشای اطلاعات و اخبار محرمانه شود.

#### ملاکهای اساسی حفاظت اطلاعات

در زمینه حفظ اسرار و اطلاعات و تحکیم کتمان لازم است به ملاکها و معیارهایی اشاره کنیم که ما را در این خصوص

کمک می کند.

#### ملاک اول : بیش از مقدار نیاز (در عمل ) در جستجوی اطلاعات نباش

انسان خصلتی جستجوگر دارد، می خواهد از همه چیز و هر چیز سر در بیاورد و پی به اسرار هر چیزی ببرد. این

خصلت در همه جا پسندیده نیست از این جهت باید با کسی که بیش از احتیاج خود یا بیش از نیاز ماءموریت

خود به جمع آوری اطلاعات می پردازد و برای بدست آوردن اسراری که مربوط به او نمی شود، اصرار می

ورزد، مبارزه کرد؛ زیرا به دست آوردن اطلاعات و اسراری که مربوط به انسان نمی شود، هم برای خود و

هم برای دیگران مشکل می آفریند.

قرآن کریم انسان را از جستجو و به دست آوردن اطلاعات از اموری که ارتباطی به او ندارد و اگر افشا شود به

ضررش تمام می شود، برحذر داشته است.

((یا ایها الذین امنوا لا تسأءلوا عن اشیاءٍ ان تبدلکم تسؤلکم)) (... قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِکُمْ ثُمَّ اصْبَحُوا یَها

کَافِرِیْنَ (31))

ای کسانی که ایمان آورده اید! از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می

کند...جمعی از پیشینیان از آنها سؤال کردند و سپس به مخالفت با آن برخاستند). ممکن است شما هم چنان

سرنوشتی پیدا کنید).

#### شأن نزول

از امیر مؤ منان علی (ع) چنین روایت شده است:

((روزی پیامبر(ص) خطبه ای خواند و دستور خدا را درباره حج بیان کرد. شخصی به نام عکاشه - و به

روایتی سراقه - گفت : آیا این دستور برای هر سال است ، و همه سال باید حج بجا بیاوریم ؟ پیامبر(ص) به سؤ ال او پاسخ نگفت ، ولی او لجاجت کرد، و دو بار و یا سه بار، سؤ ال خود را تکرار نمود. پیامبر(ص) فرمود: اگر در جواب تو بگویم بلی ، حج در همه سال بر همه شما واجب می شود و اگر در همه سال واجب باشد توانائی انجام آن را نخواهید داشت و اگر با آن مخالفت کنید گناهکار خواهید بود، بنابراین مادامی که چیزی به شما نگفته ام روی آن اصرار نوزید؛ زیرا (یکی از) اموری که باعث هلاکت (بعضی از) اقوام گذشته شد این بود که لجاجت و پرحرفی می کردند و از پیامبرشان زیاد سؤ ال می نمودند<sup>(32)</sup>. بنابراین هنگامی که به شما دستوری می دهم به اندازه توانائی خود آن را انجام دهید و هنگامی که شما را از چیزی نهی می کنم خودداری کنید<sup>(33)</sup>)).

بی تردید سؤ ال کلید فهم حقائق است و به همین دلیل کسانی که کمتر می پرسند، کمتر می دانند، و در آیات و روایات نیز بر آن تأکید شده است . اما این قانون کلی استثنائی هم دارد. باینکه گاهی پاره ای از مسائل و اخبار، پنهان بودنش برای حفظ نظام اجتماع و تأمین مصالح افراد بهتر است و به همین دلیل خداوند حکیم از روی حکمت برخی مسائل را در جهان هستی آشکار ساخته و برخی از آنها را پوشیده داشته است . چه بسا مواردی که از دید انسان مخفی مانده اگر برای وی آشکار گردد موجب اختلال نظام و تغییر سرنوشت و حیات او شود. در این گونه موارد جستجوها و پرسشهای پی در پی ، برای پرده برداشتن از واقعیت ، نه تنها فضیلتی ندارد بلکه مذموم و ناپسند نیز می باشد. مثلاً اغلب پزشکان صلاح در این می دانند که بیماریهای حاد و سخت و صعب العلاج را از بیمار پنهان دارند، تنها گاهی اطرافیان را در جریان می گذارند، با این شرط که از بیمار پنهان دارند. زیرا اگر بیمار از عمق بیماری خود آگاه گردد، گرفتار وحشتی می شود که ممکن است منجر به مرگ او شود. در مسائل نظامی که سرنوشت جامعه و خود فرد مطرح است ، عمق این قضیه بیشتر روشن می شود. بنابراین آیه مبارکه مؤ منان را از سؤ الاتی که آشکار شدنش برایشان مشکل آفرین است ، نهی کرده است . گرچه سیاق آیه ، نهی از سؤ ال از پیامبر(ص) در زمینه احکام الهی است . اما با القاء خصوصیت و توجه به علل و پیامدهای مسأله ، می توان آن را تعمیم داد. و شاء نزول فقط مصداقی را روشن ساخته نه اینکه آیه را محدود به قضیه خاصی نماید. بنابراین خداوند انسان را از سؤ ال پیرامون احکامی که عفو شده و یا از علل و عواملی که اگر آشکار شود موجب هلاکت و یا سرپیچی او می شود، نهی کرده است<sup>(34)</sup>. همچنانکه در جمله ((ثم اصبحوا بها کافرین )) که در مورد اقوام پیشینیان مطرح است ، این دو نکته استنباط می شود.

1- آنان در اثر سؤ الهای بیجا و پی بردن به برخی حقائق ، به موقع عمل ، کفر می ورزیدند؛ یعنی به مخالفت و سرپیچی با پیامبران خویش برمی خاستند.

2- به دلیل عدم ظرفیت پذیرش حقائق ، کلاً کافر می شدند و به انکار اصل قضیه می پرداختند. چرا انسان سری را که درد نمی کند دستمال ببندد و با به دست آوردن اخبار و اطلاعات نظامی که به او مربوط نمی شود، برای خود و دیگران دردسر بیافریند. زیرا داشتن اطلاعات ، آنهم از نوع محرمانه و سری ، علی رغم اینکه شیرین است اما گاه تلخی آن چون زهر کشنده ، آدمی را می آزارد. چنین کسی بنا بر وظیفه شرعی خیلی باید مراقب صحبتها، سخنرانیها و مصاحبه های خود باشد که چیزی از این اسرار فاش نشود و مرتکب گناه و معصیت نگردد. علاوه که چون او دارای گوهری گرانبها و عسلی شیرین است . اگر سارقان گوهریاب و سازمانهای جاسوسی پی به ماهیت او ببرند، جاننش به خطر خواهد افتاد. و مهمتر همان نکته ای بود که در آیه شریفه مطرح شده است . به دلیل عدم ظرفیت و عدم توانایی تحلیل و توجیه اخبار و اطلاعات ، ممکن است به مخالفت و سرپیچی با فرماندهان پرخیزد و یا کلاً از صراط مستقیم منحرف شده و نسبت به اصل قضیه و یا نظام اسلامی منکر و کافر گردد. ((ثم اصبحوا بها کافرین)) بلکه باید حد و مرز وظائف خود را بشناسد و در همان گستره حرکت کند.

امیر مؤ منان (ع) فرمود:  
 ((إِنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْكُمْ فَرَائِضَ فَلَا تُضِعُّوهَا وَ حَدَّ لَكُمْ حُدُودًا فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ نَهَى عَنِ أَعْشِيَاءٍ فَلَا تَنْتَهَكُوهَا وَ سَكَتَ لَكُمْ عَنِ أَعْشِيَاءٍ وَ لَمْ يَدْعُهَا نِسْيَانًا فَلَا تَتَكَلَّفُوهَا<sup>(35)</sup>))